

نگاه ملی به حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی

در گفتگو با احسان هوشمند

ندای اسلام: گفت و گوی حاضر به همت آقای ابراهیم عبدالله زاده برای ماهنامه «نامه» انجام شده است. با تشکر و سپاس از این دوست و روزنامه نگار محترم، و تشکر از دست اندرکاران نشریه «نامه» و همچنین تشکر صمیمانه از جناب آقای هوشمند و عرض خسته نباشید به ایشان، و آرزوی توفیق و بهروزی برای تک تک این عزیزان، این گفت و گو به خوانندگان محترم ندای اسلام تقدیم می‌گردد.

گفت و گو فتح بابی باشد برای این که در نشریات و مطبوعات کشور، به حقوق همه شهروندان کشور به ویژه اهل سنت به طور جدی توجه بیشتری معطوف شود. متأسفانه با وجود گشایشی نسبی در فضای مطبوعاتی و رسانه‌ای کشور در سال‌های اخیر، جز تحولات سیاسی و آن‌هم تحولاتی که در مرکز کشور رخ می‌دهد، در ارتباط با بسیاری از مسائل، به ویژه آن دسته مسائل با اهمیتی که در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و... در گوشه و کنار کشور رخ می‌دهد، مطبوعات آئینه تمام‌نمای تحولات جامعه ایران نبوده‌اند و بخصوص در ارتباط با اهل سنت ایران، بنا به دلایلی که در طول بحث به آن خواهیم پرداخت، کم‌تر بحث‌های جدی مطرح شده است. امیدوارم که در فضای رسانه‌ای کشور، نسبت به مسائل گوشه و کنار کشور و به ویژه مسائل اهل سنت، توجه بیش‌تری معطوف شود.

در ارتباط با وضعیت پراکندگی اهل سنت، متأسفانه در نظام آمارهای کشور، پرداختن به مقوله‌های فرهنگی همچون مذهب، هیچ‌گاه در کانون توجه قرار نداشته است. در سرشماری‌هایی که مرکز آمار ایران از سال ۱۳۳۵ شروع کرده است، هیچ‌گاه

آمار و ارقام گویای این واقعیت است که ۱۰ تا ۱۵ درصد [بنا بر نظر فعالان سیاسی و مذهبی اهل سنت حدود ۲۰ درصد] از جمعیت ایران را هموطنان سنی مذهب تشکیل می‌دهند. حقوق اهل سنت ایران در ابعاد مختلف چیست؟ برای یافتن پاسخ این پرسش و بررسی موضوع از زوایای گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، به سراغ احسان هوشمند رفتیم. او دارای درجه فوق لیسانس جامعه‌شناسی از دانشگاه شیراز است و در کارنامه‌اش، سابقه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در مناطق مختلف کشور، به ویژه در کردستان دیده می‌شود. از وی، مقالات و پژوهش‌هایی نیز در خصوص اقوام ایرانی، چاپ و منتشر شده است.

◀ با تشکر از جنابعالی برای قبول دعوت ما، به عنوان اولین پرسش، جغرافیای پراکندگی اهل سنت در ایران چگونه است؟
◀ من هم از ماهنامه نامه تشکر می‌کنم که در شرایط فعلی کشور، با پرداختن به موضوع حقوق اهل سنت ایران، گام اول را برداشتند و فرصتی را فراهم کردند که مسائل مربوط به اهل سنت ایران به طور مستقل مطرح شود. امیدوارم این

۱۵ درصد از جمعیت ۶۵ میلیونی کشور، حدود ۱۰ میلیون نفر از ایرانیان را هموطنان سنی مذهب تشکیل می دهند که رقم قابل توجهی است و نشان گر گستردگی وسیع اهل سنت در گوشه و کنار کشور است.

◀ با عنایت به نکاتی که مطرح فرمودید، اساساً چه ضرورت یا ضرورت هایی را برای طرح موضوع حقوق اهل سنت ایران در شرایط فعلی کشور، قابل هستید؟

همان گونه که اشاره شد؛ بخش وسیعی از سرزمین ایران را چه به لحاظ مساحت و چه به لحاظ جمعیت، اهل سنت تشکیل می دهند و همین وضعیت عامل مهمی است برای پرداختن به مبحث حقوق اهل سنت. اما اگر بخواهم ضرورت ها را دسته بندی کنم، به نظر می رسد که ضرورت های متعددی در این زمینه مشهود و برجسته است.

در درجه اول؛ در شرایطی که گفتمان انسان محور، روز به روز در عرصه های مختلف جامعه خود را نشان می دهد، توجه به حقوق بشر و حقوق انسان ها، پرداختن به مبحث حقوق اهل سنت، ضرورتی انکار ناپذیر است. بخصوص این که اگر بخواهیم تحلیل کمی از مطالب مطبوعات در این خصوص و در سال های اخیر و حتی در دهه های اخیر ارایه دهیم، متأسفانه رقم بسیار ناچیزی از محتوای مطبوعات را این موضوع تشکیل می داده است. یعنی به نظر می رسد توجه به اهل سنت به عنوان ۱۰ تا ۱۵ درصد از جامعه ایران، در مقایسه با پرداختن به موضوعاتی همچون تحولات افغانستان، ترکیه، عراق و امثالهم، بسیار ناچیز بوده است.

از منظر دغدغه های دینی نیز می دانیم که شیعه و سنی، دو فرقه بزرگ از فرق اسلامی هستند و باز می دانیم که اکثریت مسلمانان دنیا، اهل سنت هستند. شاید نسبت جمعیت سنی به شیعه در دنیای اسلام، چیزی در حدود ۹ به ۱ یا ۸ به ۲ باشد. اهل سنت در گوشه و کنار دنیا، پی گیر احوال هم کیشان خود در ایران هستند. نمی توان به حقوق اهل سنت ایران بی توجه بود، اما داعیه دفاع از حقوق مسلمانان در اقصا نقاط جهان را در سر پروراند. ضرورت دیگر، از منظر ملی است. اگر ما امروز در دنیای در حال تحولات شتابان، دغدغه های هویتی و نگرانی های ملی داریم که در فرآیند جهانی شدن ممکن است بسیاری از ویژگی های فرهنگی ما مورد هجوم و ابهام قرار بگیرد ناگزیریم در برابر این تحولات شتابان، به نوعی برای هویت سازی و هویت یابی نسل جوان فضا سازی کنیم.

ویژگی های مقوله مذهب احصا نشده است. پس آمار دقیق و شاخص های روشنی از چگونگی پراکندگی و توزیع جمعیتی اهل سنت در کشور، در دسترس نیست و آن چه وجود دارد، گردآوری های محققان یا داده هایی است که از مسافرت به نقاط مختلف کشور به دست آمده است.

البته اضافه کنم که قبل از سرشماری های مرکز آمار ایران، در کارهایی که ارتش از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ به احصای برخی ویژگی های جمعیتی و فرهنگی مناطق مختلف کشور اقدام می کند، مقوله های فرهنگی از جمله مذهب نیز مورد آمارگیری واقع می شود.

براین اساس، اطلاعات ما اطلاعات دقیقی نیست. اما آن چه را بر مبنای شواهد می توان نشان داد، بخش های گسترده ای از گوشه و کنار کشور، به ویژه مناطق مرزی، سکونتگاه هموطنان سنی مذهب ماست. اگر از شرق کشور شروع کنیم، در شرقی ترین نقاط کشور از بلوچستان و مرز پاکستان، کناره های دریای عمان چابهار اهل سنت ساکن هستند در مناطق شرقی و شمالی خراسان، بخشی از استان گلستان خصوصاً مناطق ترکمن نشین، بخش های تالش در استان گیلان، مناطق محدودی در استان اردبیل، مرزهای شمال غربی کشور در استان آذربایجان غربی همجوار با کشورهای ترکیه و عراق که به شکل کمربند باریکی از اطراف ماکو شروع می شود تا بخش های جنوبی تر آذربایجان غربی و شهرهای کرد نشین مهاباد، سردشت، بوکان، پیرانشهر، اشنویه و حتی در خود ارومیه نیز، اهل سنت زندگی می کنند. همچنین بخش اعظم جمعیت استان کردستان به غیر از شهرهای بیجار و قروه، بخش هایی از مناطق شمالی و اورامانات کرمانشاهان، بخش کوچکی از استان خوزستان، بخش هایی از استان های همجوار با خلیج فارس همچون هرمزگان، بوشهر و فارس را اهل سنت تشکیل می دهند. البته به دلیل تحولات جمعیتی و مهاجرت ها که پس از فرآیند مدرن شدن شهر تهران در چهار، پنج دهه اخیر انجام شده است، طبیعتاً بخش قابل توجهی از شهروندان تهرانی را نیز اهل سنت تشکیل می دهند که آمار دقیقی از آن در دست نیست، ولی برخی از آمارهای غیر رسمی، رقم ۵۰۰ هزار را اعلام کرده اند.

پس به این ترتیب و با توجه به پراکندگی جغرافیایی، حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت کشور را هموطنان سنی مذهب تشکیل می دهند. آمارهای مبالغه آمیز، حتی تا ۲۰ درصد از جمعیت کشور را معرفی کرده اند. به هر ترتیب با احتساب

چاره‌ای نداریم که به بنیان‌های هویت ملی مان توجه بیش‌تری داشته باشیم. همه ایرانیان، جدا از تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و مذهبی هر یک سهمی در خور در تمدن‌سازی در این جامعه داشته‌اند. تمدن دیرین ایرانی، زاینده همراهی، همدلی و تلاش و کوشش جانکاه همه ایرانیان، اعم از سنی و شیعه است. بی‌توجهی به اهل سنت ایران، به نوعی هجوم به لایه‌های متعدد و عمیق هویت دیرین ماست. همه ما می‌دانیم که مولانا، عطار، سعدی و بسیاری از بزرگان دیگر، مفاخر این مملکت هستند در حالی که در گوشه و کنار دنیا و در سیمنا‌های متعددی که در بزرگداشت این بزرگان بر پا می‌شود، بر خود می‌بالیم که نام ایران را زنده نگاه می‌دارند. مگر نه این است که مولانا، عطار، سعدی و... همان‌گونه که در اشعار و آثار ارزشمندشان، در تجلیل از بزرگان شیعه گفته‌اند و مثلاً مولانا "کجایید ای شهیدان خدایی... را برای امام حسین (ع) سروده است، در تکریم و تمجید خلفای راشدین نیز شعر سروده است؟ آیا می‌توان این مفاخر ملی را به دلیل نگاه مثبت به خلفای راشدین از دایره فرهنگ ملی حذف کرد؟! جواب حتماً منفی است. پس چگونه می‌توان به آن مفاخر، افتخار کرد و در عین حال به فرزندان آن‌ها بی‌توجه بود؟! دلایل دیگری را نیز برای توجه به اهل سنت می‌توان برشمرد.

از جمله این که مرزهای کشور ما، عموماً سکونتگاه هموطنان سنی مذهب است. از طرفی در ارتباط با مرزها نیز با چالش‌هایی مواجه هستیم. آیا این مرزداران غیور که در طول تاریخ، هزینه‌های هنگفت جانی و مالی را برای دفاع از مرز متحمل شده‌اند نباید مورد توجه ویژه قرار گیرند تا ثبات مرزهای ما تحکیم شود؟

از منظر دیگر، اگر دقت شود که گسترش تفکر بنیادگرایانه در جهان... روز به روز نفوذ بیشتری در بین اعراب و سنی‌ها پیدا می‌کند و حتی در قلب نظام سرمایه‌داری یعنی امریکا نیز واقعه اسپتامبر را می‌آفریند، نقاط سنی‌نشین ایران، در صورت بی‌توجهی، کانون بالقوه‌ای برای رشد بنیادگرایی محسوب می‌شود.

معتقدم که این یک‌نگرانی است و بی‌توجهی به آن می‌تواند این‌نگرانی را تقویت کند. شاهد بوده‌ام که هرگاه تحولاتی در جامعه رخ داده است که امید و نشاط را نوید می‌داده است، این نقاط سنی‌نشین با عشق و علاقه، همراه تحول پیشگام آن بوده‌اند. پس از این منظر نیز باید به اهل سنت ایران، توجه ویژه‌ای بشود.

ضرورت دیگر، رویکرد حقوقی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بارها و بارها تأکید کرده است که همه شهروندان فارغ از تمایزاتشان با هم برابر هستند. در برخی از اصول، مثل اصل ۱۲، به صراحت از شعب مختلف تسنن و حقوق آن‌ها دفاع شده است و تأکید شده که در مناطقی از ایران که اکثریت جمعیت سنی هستند، شهروندان سنی مذهب می‌توانند آزادانه از ویژگی‌های خود بهره بگیرند و آن را گسترش دهند.

همچنین در فصل شوراها نیز در قانون اساسی، به صراحت اعلام شده است که اگر شورا‌های شهرستان و استان تشکیل شود، متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر منطقه، می‌توان به اداره آن منطقه اهتمام ورزید. البته در این حوزه، متأسفانه هنوز خلاء اجرایی وجود دارد.

به هر حال در قانون اساسی نسبت به حقوق همه ایرانیان از جمله اهل سنت توجه جدی شده است. ولی متأسفانه در مرحله عمل، شاهد مشکلاتی هستیم. البته برای پرداختن به حقوق اهل سنت ایران، ضرورت‌های دیگری نیز وجود دارد. به هر حال بخشی از منابع و معادن این مرز و بوم در نقاط سنی‌نشین قرار گرفته است. آیا می‌توان از این منابع استفاده کرد، ولی به حقوق شهروندان سنی مذهب بی‌توجه بود؟

حتی از منظر مدیریتی نیز جلب رضایت همه شهروندان یعنی ثبات مدیریت، مشارکت همه شهروندان در اداره کشور یعنی آرامش، پویایی، امید و آینده‌نگری، قطعاً در میان اهل سنت ایران، شایستگی‌هایی هستند که استفاده از آن‌ها می‌تواند نظام سیاسی، اداری و اقتصادی ما را زنده‌تر، پویاتر، جدی‌تر، قوی‌تر و به روزتر کند.

مجموع این بحث‌ها نشان می‌دهد که باید به حقوق اهل سنت ایران توجه جدی‌تری بشود که این امر متأسفانه با چالش‌های زیادی روبه‌روست.

◀ اشاره فرمودید به برخی از اصول قانون اساسی؛ به نظر شما قوانین داخلی ایران، چه حقوقی را برای اهل سنت به رسمیت شناخته است و ارزیابی شما از نحوه اجرای این حقوق و اصول در مرحله عمل چیست؟ آیا این اصول توانسته است در مرحله عمل، به درستی و به خوبی اجرا شود یا خیر؟

◀ ابتدا نکته‌ای را عرض کنم. خوشبختانه در جامعه ایران، چون فرهنگ و تمدن ایرانی برآمده از تلاش همه ایرانیان فارغ از تمایزات مذهبی و امثالهم است، فرهنگی بس متساهل و

می دانید که تفاوت اذان مغرب برای شیعه و سنی در این است که اهل سنت بلافاصله پس از غروب آفتاب، نماز مغرب به جا می آورند، در حالی که برای شیعیان، در فاصله چند دقیقه ای پس از غروب آفتاب، اذان مغرب گفته می شود. این موضوع برای برخی از اوقات سال، همچون ماه مبارک رمضان اهمیت و حساسیت خاصی پیدا می کند. چون برای اهل سنت ضروری است که پس از غروب آفتاب، روزه خود را افطار کرده، نماز مغرب و سپس نماز عشاء را در نوبت های جداگانه اقامه می کنند. متأسفانه شاهدیم که حتی در مناطق سکونت اهل سنت کشور، هنوز امکان پخش اذان اهل سنت یا حتی اعلام آن وجود ندارد.

البته اضافه کنم که تاکنون در میان رؤسای رادیو و تلویزیون در مراکز استان ها نیز از اهل سنت کشور، کسی را نداشته ایم. گاهی این تنگ نظری ها به گونه ای بوده است که از توانا ترین شهروندان اهل سنت نیز در برنامه های صدا و سیما استفاده نشده است. به خاطر دارم که مرحوم ماموستا ربیعی، امام جمعه فقید اهل سنت کرمانشاه که به طرز مشکوکی در سال های گذشته، در گذشت، از قاریان برجسته کشور بود. در مناطق ترکمن نشین نیز قاریان برجسته ای وجود دارند که سال ها نزد استادان بزرگ مصری همچون عبدالباسط تلمذ کرده اند و بسیار زیبا و لطیف قرآن را تلاوت می کنند، اما حتی در برنامه های رسمی هم از این عزیزان، علی رغم توانایی هایشان استفاده نمی شود و این در حالی است که در مورد نمونه های مشابه مصری و...، هزینه های هنگفتی برای حضور آن ها در برنامه های رسمی پرداخت می شود.

این را هم تذکر بدهم که خوشبختانه در میان سران کشور، تا به حال هیچ گونه برخورد منفی در خصوص اهل سنت دیده نشده است اما در سطوح پایین تر، مسأله متفاوت می شود.

تأثیرات سیاست ها و عملکردهای دولت آقای خاتمی را در ۸ سال گذشته بر وضعیت اهل سنت ایران، چگونه ارزیابی می نمایید؟
 بعد از دو خرداد، امید قابل توجهی نسبت به آینده و بهبود مسائل و مشکلات مختلف جامعه در بین مردم ایجاد شد؛ خصوصاً در مناطق سنی نشین. شما شاهد بودید که در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی، در برخی از شهرهای سنی نشین همچون منطقه سرباز در استان سیستان و بلوچستان و سقز در استان کردستان، آرای بسیار بسیار بالایی به آقای خاتمی داده شد.

منعطف داریم. خوشبختانه جامعه ایران همواره مأمنی برای تنوع و تفاوت بوده است و هیچ گاه محلی برای نزاع و درگیری نبوده است؛ خصوصاً درگیرهای مذهبی. تاریخ گواه بر این است که شهروندان این کشور، هیچ گاه به خاطر تفاوت های مذهبی و زبانی و غیره، با هم درگیری و خصومت نداشته اند. وضعیت امروز هم به همین ترتیب است. در مناطق سنی نشین شاهد هستیم که ازدواج با شیعه مذهبان صورت می گیرد و بالعکس. پس مردم هیچ گاه به خاطر مذهب با همدیگر مشکل نداشته اند. این نکته بسیار مهمی است که باید به آن توجه ویژه شود. ایرانیان هیچ گاه بر سر ویژگی هایشان با هم به نزاع برنخاسته اند؛ در حالی که در بعضی از کشورهای همسایه ایران همچون پاکستان، عراق و...، مسائل درس آموزی در زمینه نزاع بین شیعه و سنی رخ می دهد. اما هموطنان ایرانی، همیشه به هم عشق می ورزیده اند و نمود آن را مثلاً در مسابقات فوتبال می بینیم که وقتی چند سال پیش تیم ملی ایران به جام جهانی راه یافت، همه ایرانیان فارغ از این که چه مذهبی دارند و در کجا زندگی می کنند، به شادمانی پرداختند. از منظر دیگر، در قانون اساسی نیز جز در مورد رئیس جمهور که مشخصاً تأکید شده است که باید از میان شیعیان برگزیده شود، هیچ اصل محدود کننده ای برای اهل سنت ارایه نشده است. البته در مورد همین اصل هم، جالب است بدانید که وقتی که دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت در سال ۵۸ بعد از سفری که به زاهدان داشتند و در آن جا با مولوی عبدالعزیز ملاقات کردند، پس از بازگشت به تهران در گزارشی که به رهبر فقید انقلاب ارایه دادند، موضوع اعتراض اهل سنت زاهدان به دو مسأله صراحت قانون اساسی در اعلام مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور و نیز شرط شیعه بودن برای رئیس جمهور را منعکس نمودند، آیت الله خمینی اعلام کردند که این اصل بعدها نیز می تواند به رفراندوم گذاشته شود. یعنی از دیدگاه رهبر فقید انقلاب، حتی اصل شیعی بودن رئیس جمهور نیز می تواند به همه پرسى گذاشته شود. این اتفاق مربوط به زمانی است که حتی آیت الله شریعتمداری و آیت الله منتظری با این مسأله مخالف کرده و بر ابدی بودن شرط تشیع برای رئیس جمهور کشور تأکید می کردند.

حتی گاهی در خصوص مسائل بسیار جزئی و سلیقه ای همچون پخش اذان ویژه اهل سنت در مناطق سنی نشین از مراکز محلی صدا و سیما نیز تنگ نظری هایی صورت می گیرد.

البته واقعیت این است که تحولات مثبتی هم در خصوص اهل سنت در این سال‌ها رخ داد. تعداد فراوانی بخشدار، معاون فرماندار، مدیرکل، معاون استاندار و... از میان اهل سنت برگزیده شدند. مثلاً در حال حاضر در استان کردستان، مدیران کل راه و ترابری، صنایع و معادن، مدیریت و برنامه ریزی، اقتصاد و دارایی، برخی از معاونان استاندار و برخی از مدیران محلی فرهنگی از شهروندان اهل سنت هستند. در نقاط دیگر کشور نیز به همین ترتیب. مطابق آماري که بنده در سال گذشته از مدیران سنی در مناطق سنی نشین کشور گرفتم، در استان کردستان، بیش از ۷۰ درصد مدیران، از بین شهروندان همان استان برگزیده شده‌اند. در آذربایجان غربی نیز همین گونه بود. در سیستان و بلوچستان البته نسبت پایین‌تر است، ولی به هر حال این روند رو به رشد است.

اگر آن دیدگاه خودی و غیر خودی از بین می‌رفت، شاید در آینده شاهد بودیم که از اهل سنت در جایگاه‌های مناسب‌تری استفاده بشود که متأسفانه فعلاً وضعیت بسیار مبهم است.

◀ شما به عنوان یک پژوهشگر اجتماعی، آثار و تبعات استمرار این گونه تبعیض‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

◀ وقتی شایسته سالاری مطرح می‌شود، پس شایستگان باید فارغ از هر نوع تمایز مذهبی، سیاسی و... به کار گرفته شوند و یعنی اگر قرار است ایران به طور شایسته‌ای اداره شود و جایگاه مناسب خود را در قرن بیست و یکم بدست آورد و به عنوان کانون اندیشه و صنعت و تکنولوژی و اخلاق و دین و عدالت و امثالهم در دنیا مطرح شود، باید از همه ظرفیت‌ها، به ویژه ظرفیت‌های انسانی استفاده شود. موضوعی که متأسفانه به نظر می‌رسد در اجرای آن ناموفق بوده‌ایم.

ممکن است این موضوع به ذهن خوانندگان نشریه شما متبادر شود که بسیاری از ایرانیان شیعه مذهب نیز در اداره امور کشور سهیم نبوده‌اند. اگر امروزه شاهد پدیده فرار مغزها هستیم، حتماً بخش عمده‌ای از آن را هموطنان شیعه مذهب ما تشکیل می‌دهند.

متأسفانه به طور کلی یک استراتژی جدی و واقع بینانه برای استفاده از تمام توان انسانی و علمی کشور وجود ندارد. بخصوص در مورد اهل سنت. این نکته را از این باب گفتم که این گونه القا نشود که صرفاً در جذب اهل سنت، نظام سیاسی

ناکارآمد است، بلکه در ارتباط با بسیاری از هموطنان که به نوعی دیگر می‌اندیشند، حاکمیت هیچ‌گاه با انعطاف برخورد نکرده و به آن‌ها میدان نداده است. آن‌ها هم در رسانه ملی جایی نداشته‌اند و مسائلی از این دست. در مورد اهل سنت، باید توجه ویژه‌ای بنا به دلایلی که عرض کردم معطوف شود. در این زمینه بسیار کم مطالعه کرده‌ایم. در جست‌وجویی که من در میان پایان‌نامه‌های فوق لیسانس و دکتری در حوزه علوم اجتماعی و انسانی داشتم، حتی به یک مورد پایان‌نامه برنخوردم که در نظام دانشگاهی ما و در سطوح عالی، متوجه اهل سنت باشد! البته پایان‌نامه‌های متعددی در خصوص بلوچستان و کردستان هست، ولی تحت عنوان اهل سنت، حتی یک پایان‌نامه و کار پژوهشی عمده منتشر نشده است. اگر هم احتمالاً چنین چیزی وجود داشته باشد، به صورت محرمانه تلقی شده و در دسترس عموم قرار نگرفته است!

بر این مینا، اگر مملکت از شایستگان اهل سنت بی‌بهره باشد، یعنی از بخشی از توان علمی و تکنولوژیک خود بی‌بهره مانده است که قطعاً یک آسیب است.

از طرف دیگر اگر احساس عدم مشارکت در هموطنان سنی وجود داشته باشد، شکاف دولت-ملت را تعمیق خواهد کرد و ثبات مرزهای کشور نیز دستخوش بحران خواهد شد و البته طمع ورزانی چون تفکرات بنیادگرایانه نیز می‌تواند لانه‌هایی را برای خودشان در این مناطق پیدا کنند.

شاید همین آسیب‌هاست که موجب ناامیدی‌ها و نگرانی‌هایی در بین اهل سنت شده است. شما در انتخابات مجلس هفتم دیدید که در بعضی از این استان‌ها، مشارکت زیر ۳۰ درصد بود که ادامه این روند و عدم برگزاری انتخابات آزاد، قطعاً به نفع مصالح ملی ما نخواهد بود.

پس ما با آسیب‌های متعددی روبه‌رو خواهیم شد؛ شایستگان محروم خواهند شود و البته جامعه ایران نیز ضرر خواهد کرد.

◀ توسعه یافتگی مناطق سنی نشین کشور را که عمدتاً در کمربند مرزی کشور قرار دارند، در مقایسه با نقاط شیعه‌نشین در چه حدی می‌دانید؟ در صورت وجود نابرابری بین این مناطق، آیا آن رانشی از سهل‌انگاری و بی‌توجهی می‌دانید یا عامدانه؟

◀ چند نکته در ارتباط با وضعیت اقتصادی مناطق سنی نشین کشور باید در کانون توجه باشد. اولاً در کل جامعه ایران، اعم از شیعه‌نشین یا سنی‌نشین، ما شاهد مناطق توسعه نیافته زیادی

همدیگر را ندارد و در انتخابات مجلس هفتم، دیدیم که آن جناح چه بر سر این جناح آورد، صحبت کردن از این موضوع که در داخل کشور زمینه تساهل و رواداری و گفت و گو و به رسمیت شناختن طرف مقابل جدی بشود، به نظر می‌رسد که فعلاً جای بحث فراوانی دارد.

گفت و گو تمدن‌ها به مانند رستورانی بود که غذای خروجی و لذیذ طرح آن برای خارج از کشور بود و آشپزخانه آن که همراه با مسائل خاص خود همچون نظافت و عدم نظافت و... است، در داخل کشور قرار داشت. ویتترین بیرونی زیبا بود، ولی در داخل اشکالات و ابهامات و بحث‌های فراوان داشت. شما همین الان شاهد هستید که متأسفانه گاه فلان شخصیت دینی اعلام می‌کند که مثلاً در فلان شهر که اقلیتی سنی در آن زندگی می‌کند، نباید معامله‌ای با آن‌ها صورت بگیرد، چون دوستدار اهل بیت نیستند! من تعجب می‌کنم از این موضوع و نمی‌دانم که چه اطلاعاتی و به چه میزان به این آقایان می‌رسد که به این نتایج می‌رسند! امیدوارم که آنان در این مورد با دقت بیشتر و با دغدغه‌های پیامبر پسندانه‌ای به موضوع نگاه کنند.

البته مرکزی نیز که برای گفت و گوی تمدن‌ها در داخل کشور در نظر گرفته و تأسیس شد، هیچ‌گاه توجهی به داخل نداشت و بیش‌تر متوجه خارج از کشور بود.

◀ شما به عنوان فردی که مطالعات اجتماعی و فرهنگی در باب حقوق اقلیت‌های قومی و دینی و اهل سنت ایران داشته است، چه راهکارهای مشخصی را برای بهبود وضعیت اهل سنت ایران پیشنهاد می‌کنید؟

◀ سرنوشت اهل سنت ایران از سرنوشت بقیه ملت ایران جدا نیست. در جامعه‌ای که برای پذیرش نامزدهای انتخاباتی واقعی مردم، انتخابات مستقیم به انتخابات چند مرحله‌ای تبدیل می‌شود، نمی‌توان انتظارات زیادی را خارج از واقعیات موجود جامعه مطرح کرد. به نظر می‌رسد که با بهبود وضعیت دموکراتیزاسیون در داخل کشور و توجه بیش‌تر به حقوق بشر، خودبه‌خود مسائل همگان و از جمله اهل سنت حل خواهد شد.

با گسترش مشارکت عمومی، مشکلات همه کم‌تر خواهد شد و به خصوص مشکلات اهل سنت. پس مشکلات و ناکامی‌های اهل سنت از مشکلات دیگر ایرانیان و روشنفکران و آزادی خواهان جدا نیست.

هستیم؛ به قول بایزید مردوخی، از محققان برجسته اقتصادی که خود نیز اهل سنت است، حتی در پایتخت کشور نیز جزیره‌های فقر مشاهده می‌شود.

ثانیاً در تحقیقات اخیر گفته می‌شود که در تمام دنیا، زندگی در مرزها یعنی توسعه نیافتگی. در هر جامعه‌ای بنا به استانداردهایش، مناطق مرزی در مقایسه با مناطق مرکزی، توسعه نیافته‌تر است.

نکته سوم، این موضوع است که ما وارث بیش از ۵۰ سال نظام برنامه‌ریزی در ایران هستیم و این نظام برنامه‌ریزی، در رژیم پیشین شکل گرفته است. ساختار برنامه‌ریزی ما، قطبی نگر و مرکزنگر بوده است که البته از دل آن، نابرابری‌هایی نیز به وجود می‌آید. به همه این عوامل، جنگ را نیز اضافه کنید و هزینه‌های آن را. پس اگر با این شاخص‌ها به سراغ اهل سنت ایران برویم، می‌بینیم که آن‌ها نیز از داستان غم‌بار توسعه نیافتگی مبران بوده‌اند و متأسفانه هموطنان سنی مذهب ما، امکانات متناسب به وضعیت خود را دریافت نکرده‌اند. مناطقی مثل سیستان و بلوچستان و کردستان، از مناطق توسعه نیافته ایران هستند. شاخص‌های توسعه در این مناطق نسبت به سایر مناطق کشور بسیار نگران‌کننده است. اما در سال‌های اخیر به ویژه در دولت آقای خاتمی، بودجه‌های جهشی زیادی برای توسعه این مناطق تعریف شد که اگر به طور جدی‌تر در کانون توجه برنامه‌ریزان و مسوولان کشور قرار بگیرد، مثلاً یک برنامه ۵ ساله ویژه مناطق محروم کشور تهیه شود و بر آن اساس برنامه‌هایی در این مناطق تدوین و اجرا شود، شاید بتوان آن شکاف را محدود کرد.

اما آن چه مشهود است، این که مناطق مرزی ما، علی‌الخصوص مناطق سنی‌نشین، از مناطق بسیار توسعه نیافته کشور است.

◀ در سال‌های گذشته، طرح گفت و گوی تمدن‌ها از سوی رئیس‌جمهور ایران در سطوح داخلی و خارجی مطرح شد. تحلیل شما از تأثیرات این طرح بر وضعیت اهل سنت ایران چیست؟ آیا این طرح توانست بهبودی را در وضعیت اهل سنت ایران به وجود بیاورد؟

◀ این طرح در خارج از کشور بازتاب گسترده‌ای داشت و مورد استقبال وسیع بسیاری از دولت‌ها قرار گرفت. حتی سازمان ملل متحد، سالی را به اسم آن طرح نام‌گذاری کرد. اما در داخل کشور و در حالی که جناح‌های سیاسی موجود از یک خاستگاه مشترک به حاکمیت نگاه می‌کنند و فعلاً تحمل

پیگیری های چندین ساله سنی های ساکن تهران، هنوز امکان ساخت یک مسجد برای اهل سنت در تهران وجود ندارد و باعث سرافکنندگی است که سنی مذهبان ساکن تهران برای ادای فریضه نماز جمعه، مجبور هستند که به سفارت خانه های کشورهای همسایه همچون پاکستان بروند! در حالی که در همین شهر تهران، پیروان ادیان دیگر همچون یهودی و مسیحی و... اماکن و عبادتگاه های مخصوص خود را دارند که البته ضروری و به حق است.

در شرایطی که امکان استفاده از مساجد موجود شهر تهران برای اهل سنت وجود ندارد و در حال که شهرهایی که شیعیان در آن ها در اقلیت هستند، مساجد و حسینیه های ویژه آن ها وجود دارد، چه اشکالی دارد که اهل سنت تهران نیز مسجد خاص خود را داشته باشند؟

امیدوارم روزی فرا برسد که فارغ از تفاوت های مذهبی و سیاسی و مرزبندی های خودی و غیر خودی و از این دست، امکان ساختن ایرانی آباد و آزاد به وسیله همه شهروندان فراهم شود.

با سپاس مجدد از شما برای شرکت در این گفت و گو و طرح دغدغه هایتان.



در کنار این مطلب، در خصوص اهل سنت، نکاتی باید به طور خاص در نظر گرفته شود اولاً بسیار متأسف هستم که هنوز در مراکز دانشگاهی ما، یک کانون مطالعات ایران شناسی که در آن وضعیت خرده فرهنگ های داخل کشور را مورد مطالعه و ارزیابی دایمی و به روز جدی قرار بدهد، وجود ندارد. اگر این مرکز و کانون وجود داشت، با اتکا به پژوهش هایش برای مقامات و تصمیم گیران، استراتژی تولید می شد و می توانست منشاء تحولاتی بشود. پس یکی از پیشنهادات بنده، تأسیس یک کانون علمی مطالعات ایران شناسی و البته استفاده از نتایج پژوهش های دانشگاهی و علمی در مرحله عمل است. نکات ریزی نیز وجود دارد که توجه به آن ها اثرات عمیقی خواهد داشت. اشاره کردم که یک بودجه ویژه در چارچوب زمانی مثلاً ۵ ساله یا ۱۰ ساله برای تقلیل شکاف اقتصادی میان مناطق سنی نشین و شیعه نشین تعریف شود. این انتظاری است که اهل سنت دارند. دولت خود را ملزم بکند که شکاف توسعه نیافتگی میان مناطق مختلف کشور را به حداقل برساند. آیا می توانیم روزی را شاهد باشیم که برنامه ویژه مناطق توسعه نیافته کشور به تصویب نمایندگان واقعی ملت برسد؟ امیدوارم. در کنار این ها، توجه به حساسیت های مذهبی اهل سنت در سیمه، توجه به روحانیان سنی، حذف گزینش ها عقیدتی و سیاسی که یکی از موانع جدی مشارکت اهل سنت در اداره امور کشور است و من معتمد که با گذشت ۲۶ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، جهت گیری گزینش های باید از عقیدتی و سیاسی به جهت گیری علمی و تخصصی تغییر یابد، همچنین بازنگری در اختیارات شوراها و افزایش اختیارات آن ها برای اداره مناطق مختلف کشور نیز از دیگر نکاتی است که توجه ویژه ای را می طلبد.

توجه به نخبگان سنی مذهب در کتاب های درسی همچون عزیزخان مکرری که در عهد ناصری، خدمات شایانی به ایران داشته است و ساختن فیلم و گزارش از مناطق اهل سنت کشور که در این میان مطبوعات و وظیفه سنگینی را به دوش دارند، رفت و آمد روشنفکران مرکز نشین به مناطق سنی نشین و تعامل میان روشنفکران محلی و ملی را نیز در این زمینه مثبت و مفید می دانم. مجموع این عوامل دست در دست هم خواهد داد که فضایی را برای مشارکت همه ایرانیان فراهم می کند.

به عنوان نکته پایانی با تأسف می گویم که با وجود